

«کمربندها را ببندیم» یا جسارت به بسیاری از تابوهای اجتماعی و سیاسی نزدیک می شود. اسکندر برای گرفتن مجوز فرودگاه رسماً رشوه می دهد و در همین فضا، ناکارآمدی های مدیریتی هم نقد می شود. از همه مهم تر، شوخی تقریباً بدون حد و مرز یا صنعت هوایی است که اگر به شوخی یا سایر مشاغل و عاقبت آن در کمدهای دیگر رجوع کنید، متوجه عجیب بودن ماجرا خواهید شد!



مجموعه «کمربندها را ببندیم» بعد از ۱۶ سال روی آنتن رفته است

ملکی ایرلاین، توبهترین مالی!

سال ۸۳ یکی از متفاوت ترین سریال های کمدی تلویزیون روی آنتن رفت و به خاطر مضمون خاص و نوع شوخی های سریال، طرفداران پرو پا قرص و در مقابل، منتقدان سفت و سختی پیدا کرد. «کمربندها را ببندیم» در آن زمان به موفقیت نسبی رسید و از لحاظ تعداد مخاطب، با برخی کمدی های اپیزودی آن سال ها برابری کرد. البته شوخی های این سریال طنز از سایر آثار بسیار تند و تیزتر بود اما خوشبختانه با اعتراض هیچ گروهی مواجه نشد. حالا و بعد از ۱۶ سال، تلویزیون دوباره سراغ این سریال رفته و شبکه آی فیلم آن را نمایش می دهد. در این گزارش به ویژگی های مثبت و منفی این سریال نگاهی گذرا می اندازیم.

محمد وفایی
خبرنگار

* شعار تبلیغاتی فرودگاه ملکی در سریال «کمربندها را ببندیم»

راه طی شده

یکی از نتایج تماشای سریال «کمربندها را ببندیم» به کارگردانی مهدی مظلومی، پی بردن به تغییراتی است که در طول این سال ها در شیوه های ساخت سریال صورت گرفته است. در شرایطی که کمدی های معروف به ۹۰ شبی در دهه ۸۰ از جمله همین سریال، اصطلاحاً روزپخش بودند و متن فیلمنامه همان روز یا یک روز قبل از پخش به دست گروه می رسید، در سال های اخیر اهمیت پیش تولید و آماده سازی قبل از تصویربرداری خودش را نشان داده است. شاید به همین دلیل این مجموعه چندان در قصه تعریف کردن موفق نیست و عمده ایراد آن فیلمنامه است، در حالی که نام پیمان قاسم خانی که در آن زمان فیلمنامه نویس ثابت آثار موفق مهران مدیری بود، در مقام سرپرست نویسندگان کمربندها را ببندیم به چشم می خورد. به جز وضعیت فیلمنامه نویسی، جایگاه بازیگران و عوامل پشت صحنه سریال نیز در این سال ها تغییرات عمده ای داشته است. جواد عزتی و سعید آقاخانی که ایفاگر نقش های فرعی بودند، در سال های اخیر به بازیگران بسیار مهمی تبدیل شدند و لاله صوری و فتحعلی اویسی که در کمدی های آن سال ها چهره بودند، حالا بسیار کم کار هستند. مهدی مظلومی، کارگردان سریال هم پس از ساخت چند سریال دیگر در ایران، سر از ترکیه در آورد و در شبکه جم فعالیت کرد.

یاد باد آن ظرفیت های یاد باد!

سریال کمربندها را ببندیم کمدی شجاعانه ای است که با جسارت به بسیاری از تابوهای اجتماعی و سیاسی نزدیک می شود. اسکندر (با بازی امیر جعفری) برای گرفتن مجوز فرودگاه رسماً رشوه می دهد و در همین

کمدی هواپیمایی به جای آپارتمانی

این سریال بعد از موفقیت «بدون شرح» ساخته قبلی کارگردان، این بار در فضایی نامتعارف ساخته شد. این که یک مجموعه تلویزیونی به مساله ای مانند صنعت هوایی بپردازد، نه تنها در آن زمان بی سابقه بود، بلکه در سال های بعد نیز تکرار نشد. مظلومی بعد از ساخت کمدی بدون شرح در فضای مطبوعات، این بار فضای تازه ای را تجربه کرد که فرصت های بدیعی برای طنزپردازی در آن وجود داشت. ساخت سریال در حوزه صنعت هواپیمایی کشور آن هم در زمانی که این صنعت بسیار نپا و رو به توسعه بود و بسیاری از شرکت های خصوصی ای که امروز به شرکت های هواپیمایی شناخته شده ای تبدیل شده اند، در آن زمان هنوز راه اندازی نشده بودند.



تصور کنید سرمایه گذار خصوصی ای که می خواست تازه پا به این عرصه بگذارد، با دیدن مصائب آقای ملکی و دوستان برای تأسیس شرکت هواپیمایی، فرودگاه، استخدام خلبان و... چه حالی پیدا می کرد. نکته دیگر درباره «کمربندها را ببندیم» پرخرج بودن آن نسبت به آثار کمدی مشابه است. در حالی که در چنین سریال هایی معمولاً برای صرفه جویی در هزینه ها، لوکیشن ها با تغییرات جزئی در یک مکان واحد با آفرینی می شوند، این سریال دکورهای نسبتاً مفصلی دارد که در آن امکان به تصویر کشیدن لوکیشن هایی مانند سالن فرودگاه، برج مراقبت، باند پرواز و... فراهم شده است. تعداد بالای بازیگران اصلی و فرعی و نیاز به نمایش هواپیماهای اسقاطی نیز دیگر دلیل پرخرج شدن کمربندها را ببندیم است.

فضا، بروکراسی و کاغذبازی های اداری و برخی ناکارآمدی های مدیریتی هم نقد می شود. از همه مهم تر، شوخی تقریباً بدون حد و مرز با صنعت هوایی است که اگر به شوخی با سایر مشاغل و عاقبت آن در کمدی های دیگر رجوع کنید، متوجه عجیب بودن ماجرا خواهید شد! در همین دهه اخیر «در حاشیه» مهران مدیری به خاطر شوخی با پزشکان با تندترین واکنش ها روبه رو شد و در فصل دوم به طور کلی مضمون سریال را تغییر داد و سروش صحت در «ساختمان پزشکان» برای پیشگیری از واکنش های احتمالی روان شناسان، یک شخصیت روان شناس کاملاً مثبت و فاقد جنبه های کمدیک (با بازی سیروس ابراهیم زاده) به سریال اضافه کرد. این در حالی است که در کمربندها را ببندیم با یک مدیرعامل به نام ملکی مواجه هستیم که کاملاً از مرحله پرت است و شخصیت کاپیتانف (با بازی رضا فیض نوری) خلبانی با چشمان چپ است که چیز زیادی نمی بیند! شاید بتوان یکی از دلایل پخش شدن بدون دردسر نقدها و شوخی های تند و تیز از تلویزیون در آن سال ها و مشکلات سریال های کمدی در چند سال اخیر را فضای مجازی دانست.

گسترش غیرقابل تصور شبکه های اجتماعی به حدی رسیده که یک شوخی و حاشیه در سریال ها با آماده سازی به شکل یک برش ناقص و کوتاه به سرعت کانال ها، صفحات و گروه های مجازی را در می نورد و باعث بروز مشکل برای ادامه یافتن سریال می شود. در حالی که در سال ۸۳ بسیاری از شوخی های مطرح شده در این سریال فقط محدود به مخاطبانی می شد که در زمان پخش سریال پای تلویزیون بودند و به همین دلیل واکنش های عجیب و غریب و سازمان یافته اساساً فرصتی برای بروز نمی یافتند.